

آقای مکرم حضرت افغان جناب آقا میرزا آقا علیه بهاء الله الأبهی ملاحظه فرمایند

۱۵۲

بِسْمِ رَبِّنَا الْأَقْدَسِ الْأَعْظَمِ الْعَلِيِّ الْأَبْهِيِّ

حمد مقدس از عرفان اهل امکان مقصود عالمیان را لایق و سزااست که بلا را مخصوص اولیا قرار فرمود طوبی از برای مقربین یعنی نفوسی که بسلم بلا بذروه علیا ارتقا جسته‌اند ایشانند اولیای حقّ جلّ جلاله لازال بافق اعلی ناظر بوده و هستند بأساء ایشان را از توجه منع نمود و ضراء از اقبال بازنداشت بلکه حوادث عالم و مصیبات آن نار محبت را مدد نمود و بر شعله افزود هر نفسی فی الحقیقه بر تغییر و تبدیل و فناء عالم آگاه شود او را هیچ شیئی از اشیاء پزمرده ننماید و از روح و ریحان بازندارد فرحش بالله است و عیشش لله همدمش انا لله و مصاحبش انا الیه راجعون بعد از آنکه قلب بانوار معرفت منور شد و از ذکر و ثنا و محبت و مودت حقّ جلّ جلاله پر گشت دیگر محل باقی نه تا احزان عالم و کدورات نازل در آن وارد شود و یا داخل گردد

سبحانک یا نور العالم و منور العالم و مستخر العالم و مذهب احزان الأمم اسألك بالاسم الأعظم الذی به سرت نسلمات فجر عنایتک علی عبادک بأن تؤید افغانک علی الحضور امام وجهک و التمسک بما قدر لهم بجدوک و الطافک ثم احفظهم من شرّ اعدائک و شماتة الذین کفروا بک و بآیاتک اسألك یا مالک الوجود و سلطان الغیب و الشهود بأن تفتح علی وجوههم ابواب عنایتک لتجذبهم نفحات بیانک الی مقام لا تحزنهم شؤونات الدنیا و کدوراتها و لا تخمدهم اعمال الذین اعرضوا عن افک الأعلی ثم وفقهم یا الهی علی ما یقرّبهم الیک فی کلّ الأحوال انک انت الغنی المتعال

روحی لذکرکم الفداء و لخدمتکم الفداء دو دستخط حضرت عالی از قبل و بعد رسید هر یک مفتاحی بود از برای مداین محبت و مودت و توجه و بعد از قرائت و اطلاع قصد مقام اعلی نموده تلقاء وجه عرض شد قوله تبارک و تعالی یا افغانی علیک بهائی و عنایتی در بلائی وارد بر نفس حقّ و همچنین آنچه بر انبیا وارد شد تفکر نما جذب محبت الهی چنان اخذشان نمود که بلا یا و رزایای عالم نزدشان مائده فرح و سرور محسوب اعراض عالم و انکار امم ایشان را از اقبال منع نمود و از فرح اکبر بازنداشت از حلاوت بیان رحمن و ما قدر لهم عالم را معدوم و مفقود مشاهده مینمودند در هر حین باجنحه ابتهاج قصد معراج که مقام قرب و لقااست میفرمودند و اگر عوالم و شئوناتش منحصر باین عالم بود هرگز خود را بین ایادی اعدا تسلیم نمینمودند قسم بافتاب حقیقت که از افق سماء سجن مشرق و لائحتست لازال آن جواهر وجود در مقام تسلیم و رضا واقف و قائم بودند بشائی که ظلم و تعدی اهل عالم ایشان را از استقامت بر امر بازنداشت چون قلب بیحر اعظم متصل شد عالم و ما عند الناس را بمتابۀ ظلّ مشاهده نماید که عنقریب فانی شود و زوال پذیرد شاید آنچه وارد شده بر شما سبب و علت ظهورات عنایات غیبیه الهیه شود شما باو منسوبید آنچه بر شما وارد شده بعد از ایقان و اقبال بوده لعلّ یحدث بذلک ما تقرّ به العیون و تفرح به القلوب بر اسرار حکمت بالغه احدی مطلع نه یشهد بذلک هذا المظلوم فی هذا السجن البعید قل

الهی الهی ترانی مقبلاً الیک و متمسکاً بک و تری ضعف اولیائک و قوه اعدائک و ظلمهم فی بلادک اسألك بحركة قلمک الأعلی الذی به سخرت الأشیاء و بنفوذ آیاتک الکبری بأن تؤیدنی علی ما یقرّبنی الیک ای ربّ ترانی فی بحبوحه الأحزان اسألك بأن تنزل لی من سماء عطائک ما یجعلنی طائراً فی هوائک و منجذباً بآیاتک و لانذاً بحضرتک ای ربّ قدر لی من قلمک الأعلی ما ینفعنی فی کلّ عالم من عوالمک انا الذی یا الهی اعترفت بوحدائیک و فردائیک سبقنی علمک المحیط و تعلم ما یرفعنی و یوفقنی علی ما تحبّ و ترضی انک انت مالک العرش و الثری لا اله الا انت المقتدر العلیم الحکیم انتهى

فی الحقیقه عواقب امور از ادراک و ابصار مستور غیر حقّ جلّ جلاله آگاه نبوده و نیست بسا میشود از این احزان ابوابهای فرح و سرور و بهجت و ابتهاج مفتوح گردد الیوم هیچ مقامی و هیچ فضلی و هیچ شأنی اعظم از آنچه بافنان عطا شده نبوده و نیست وقتی از اوقات این کلمه علیا از لسان مولی الوری در این مقام استماع شد قوله تبارک و تعالی یا عبد حاضر بسا بُعد که حقّ جلّ جلاله آن را علّت قرب قرار فرمود و بسا حزن را که سبب فرح اعظم نمود و چه مقدار بساط هم که بانبساط تبدیل شد الفضل بیده و فی قبضه قدرته یفعل ما یشاء و یحکم ما یرید و هو العلیم الحکیم انتهى این خادم فانی در لیالی و ایام از حقّ جلّ جلاله مسلت مینماید آنچه را که جان از او سرور و تازه گردد انّ ربّنا الرّحمن هو المشفق الکریم در فقره وجه حضرت ورقة العلیا علیها من کلّ بهاء ابهات بحضرت افنان کبیر علیه من کلّ بهاء ابهات امر شد که بنویسند به ارض یاء نزد هر نفسی باشد بمخدره کبری والده آن حضرت داده شود چندی قبل این فقره القا شد از حقّ میطلبم نفوس را مؤید فرماید بر عمل بانچه از سماء امر نازل

نامه جناب ملا شفیع علیه بهاء الله که ارسال فرمودند در ساحت امنع اقدس عرض شد و جواب نازل در کره بعد ارسال میشود و همچنین یک لوح مبارک مخصوص مخدره کبری علیها بهاء الله الابهی نازل و ارسال شد الحمد لله در هر حال مذکور بوده و هستند چندی قبل از حکومت ظالمی ضرر وارد و در هر یوم احدائی و بلائی ظاهر و مشهود بدله الله امرأ من عنده انه علی کلّ شیء قدیر مقصود آنکه آن حضرت هم در احزان با سدره شریک بوده اند خدمت حضرات آقایان افنان آن ارض تکبیر و ثنا و بهاء عرض مینمایم و همچنین خدمت اولیای آن ارض از حقّ میطلبم آن اطراف را از نور افنان منور فرماید و عالم جدید ظاهر نماید اوست مقتدر و توانا لا اله الا هو مالک العرش و الثری البهات و الذکر و الثناء علی حضرتکم و علی من معکم و یحبکم و یسمع قولکم فی امر الله ربّ الکرسی الرقیع

خادم

فی ۲۶ شهر ذی الحجّة الحرام من سنة ۱۳۰۴

[یادداشت]

۱ ارقام ۲ و ۵ و ۱ بر طبق حساب ابجد بترتیب معادل عددی حروف ”ب“ و ”ه“ و ”الف“ است که مجموع آنها کلمه ”بها“ را تشکیل میدهد. ←

این سند از [کتابخانه مراجع بهائی](http://www.bahai.org/fa/legal) دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجه به مقررات مندرج در سایت www.bahai.org/fa/legal استفاده نمایید.

آخرین ویراستاری: ۱۹ ژانویه ۲۰۲۳، ساعت ۴:۳۰ بعد از ظهر